

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

| مرحله‌ی آماده‌سازی فایل   |            |          |                      |            |
|---------------------------|------------|----------|----------------------|------------|
| تکمیل مآخذ و ویرایش نهایی | ویرایش دوم | ذکر مآخذ | تصحیح و ویرایش اولیه | پیاده‌سازی |

### امام حسین علیه السلام قبله‌ی حقیقی

کلمات کلیدی: کربلا، امام حسین علیه السلام، اهل بصیرت، زیارت، قبله، ولایت، امیرالمؤمنین علیه السلام، کعبه، بیت‌المقدس، عبادت، سجده، مسجود، وجه‌الله، ضریح، قلب مؤمن، محبت.

✿ شخص بینایی در حرم امام حسین علیه السلام رو به ضریح داشت نماز می‌خواند. خادم حرم به او گفت: قبله این طرف نیست. او با اشاره به مرقد حضرت علیه السلام پاسخ داد: مو قبله؟ این قبله نیست؟ و چند بار تکرار کرد.<sup>۱</sup>

شخص بینا، یعنی اهل بصیرت و دارای دید باطنی. ان‌شاءالله همه‌ی عزیزان به زیارت مرقد مطهر اباعبدالله علیه السلام مشرف شده‌اند و کسانی که مشرف نشده‌اند، امیدواریم خداوند هرچه سریع‌تر نصیبشان کند و آنها که مشرف شده‌اند، کراراً قسمتشان شود. دیده‌اید که در حرم خادمان به زوار خدمت می‌کنند. آن شخص داشت نماز می‌خواند؛ خادم فکر کرد او جهت قبله را اشتباه کرده و متوجه نیست که دارد رو به ضریح نماز می‌خواند؛ آمد گفت: قبله این طرف نیست. او با اشاره به مرقد حضرت پاسخ داد: مو قبله؟ یعنی این قبله نیست؟! مو قبله؟! مو قبله؟! چند بار تکرار کرد.

۱. مهدی طیب، مصباح‌الهدی، ص ۳۰۲.

خادم تکانی خورد و عقب عقب رفت و ساکت شد. در افواه هم هست که وقتی حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه ظهور می کنند، قبله را به سمت کربلا برمی گردانند.

البته روایتی مبنی بر این مضمون نداریم؛ ولی در افواه مردم هست که بعد از ظهور، حضرت قبله را به سمت کربلا برمی گردانند. این حرف معنای باطنی درستی دارد. آن شخصی که داشت نماز می خواند، اهل بصیرت بود؛ بینا بود؛ چشمش به حقیقت باز بود؛ اما آن خادم اهل ادب ظاهری و آداب شرع بود. این جمله را باید تبیین کنیم که مقصود چیست. نکته‌ی اول اینکه فرق است بین آنچه بر او سجده می شود، آنچه در برابر او سجده می شود، با آن کسی که برای او و به خاطر او در مقام عبودیت سجده می شود. قبله یعنی جهتی که انسان عبادتش را به آن سمت انجام می دهد. قبله جهت است؛ قبله، خدا نیست. اگر رو به کعبه نماز می خوانیم، یعنی کعبه را عبادت می کنیم؟! کعبه جهت است؛ سمت و سو را برای عبادت نشان می دهد. کعبه که خدا نیست. ما خدا را عبادت می کنیم و در جهت کعبه ایستاده ایم. بنابراین اگر کسی جهتش قبر امام حسین علیه السلام بود، به این معنا نیست که امام حسین علیه السلام را عبادت می کند. یا در عبارتی که قبلاً خواندیم، آن عالم بزرگ در حرم امام رضا علیه السلام ایستاده بود رو به ضریح امام رضا علیه السلام نماز می خواند، کسی به او گفت: آقا قبله این طرف نیست؛ اشتباه ایستادید. گفت: همه‌ی نمازهای یقینی که خوانده‌ام قربان همین اشتباه! لذا اگر کسی رو به ضریح امام رضا علیه السلام ایستاد، به این معنا نیست که امام رضا علیه السلام را عبادت می کند.

قبله غیر از معبود است. قبله غیر از مسجود است. این را بفهمیم. این خشک مغزهای دور از فهم و معرفت وهابی را کنار بگذارید که می گویند، شیعه به مهر سجده می کند و این مهر خدای او شده؛ شیعه بت پرست است. خب نادان! اگر سجده کردن بر مهر، عبادت مهر است؛ تو هم به قالی سجده می کنی؛ پس تو هم قالی را عبادت می کنی! سجده کردن بر چیزی به معنای عبادت آن چیز نیست. بنابراین اگر من بر چیزی سجده کردم به این معنا نیست که دارم آن را عبادت می کنم. اگر به سوی چیزی هم

عبادت کردم به این معنا نیست که آن را عبادت می‌کنم. ما به سمت قبله می‌ایستیم و خدا را عبادت می‌کنیم. قبله جهت توجّه به معبود است؛ نه خود معبود.

حال که قبله جهت توجّه به معبود است، وقتی می‌خواهیم به خدا توجّه کنیم، به سمت قبله می‌ایستیم.

خدا در کعبه ننشسته که بگوییم رو به خدا می‌ایستیم. خدا که جای خاصی نیست. **أَيْنَمَا تُوَلُّوا فَثَمَّ وَجْهُ**

**اللَّهِ**<sup>۲</sup> هر طرف رویت را بگردانی، آن طرف باز هم وجه‌الله است. خدا متمکن در یک مکان نیست که

بگوییم رو به این مکان ایستاده‌ایم، رو به خداییم و اگر رویمان را از آن طرف برگردانیم، دیگر رو به خدا

نیستیم. خدا همه‌جا هست؛ رویت را به هر طرف کنی، رو به خدا هستی. **أَيْنَمَا تُوَلُّوا فَثَمَّ وَجْهُ** **اللَّهِ**. پس رو

به کعبه که می‌ایستی، نه به این معنا که رو به خدا ایستادی؛ رو به هر طرف بایستی، رو به خدا

ایستادی. این سیصدوشصت درجه را به هر طرفش بگردی، رو به خدا ایستادی. سرت را رو به آسمان

هم کنی، رو به خدا ایستادی. سرت را به اعماق زمین هم کنی، رو به خدا ایستادی. اینها عبارات

معصومین علیهم‌السلام است. پس قبله غیر از خود معبود است. اگر کسی رو به ضریح امام حسین علیه‌السلام ایستاد و

نماز خواند، نباید گفت دارد امام حسین علیه‌السلام را عبادت می‌کند. البته وظیفه‌ی ما در حال عموم، مراعات

ادب شرع است. حالا کسانی در حالاتی خاص، برای خودشان احوالی دارند؛ ولی ما مکلفیم رو به قبله

بایستیم. توصیه نمی‌کنم کسی رو به ضریح امام رضا علیه‌السلام یا رو به ضریح اباعبدالله علیه‌السلام بایستد و نماز

بخواند. ما این را توصیه نمی‌کنیم؛ ولی این را گفتم تا بفهمیم ماجرا چیست.

پس قبله، جهت توجّه به معبود است. شما در زیارت جامعه‌ی کبیره می‌گویید: **مَنْ قَصَدَهُ تَوَجَّهَ بِكُمْ**:

کسی که خدا را قصد کند، به شما ائمه علیهم‌السلام توجّه می‌کند. این معنی قبله نیست؟! **مَنْ قَصَدَهُ تَوَجَّهَ بِكُمْ!**

کسی که خدا را قصد می‌کند، وجهش را به سوی شما می‌گرداند؛ به شما توجّه می‌کند؛ به شما روی

می‌آورد؛ این یعنی قبله! اگر به آیات تعیین قبله در قرآن مراجعه کنید، خواهید دید همین حقیقت را

---

۲. سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۱۱۵.

بیان می‌کند. از آیه‌ی ۱۴۲ در سوره‌ی بقره شروع می‌شود: سَيَقُولُ السُّفَهَاءُ مِنَ النَّاسِ مَا وَلَا هُمْ عَنْ قِبَلِهِمُ  
الَّتِي كَانُوا عَلَيْهَا قُلْ لِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ (۱۴۲) وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً  
وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرُّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا وَمَا جَعَلْنَا الْقِبْلَةَ الَّتِي كُنْتَ عَلَيْهَا إِلَّا لِنَعْلَمَ مَنْ  
يَتَّبِعَ الرُّسُولَ مِمَّنْ يَنْقَلِبُ عَلَى عَقْبَيْهِ وَإِنْ كَانَتْ لَكَبِيرَةً إِلَّا عَلَى الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُضِيعَ إِيمَانَكُمْ إِنَّ  
اللَّهَ بِالنَّاسِ لَرَؤُوفٌ رَحِيمٌ (۱۴۳) قَدْ نَرَى تَقَلُّبَ وَجْهِكَ فِي السَّمَاءِ فَلَنُوَلِّيَنَّكَ قِبْلَةً تَرْضَاهَا فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ  
الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَحَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ وَإِنَّ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ لَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ وَمَا  
اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا يَعْمَلُونَ (۱۴۴). ماجرای تحوّل قبله از بیت‌المقدس به سوی کعبه و مسجدالحرام در همین  
آیات سوره‌ی بقره است. قبله در واقع جهت توجّه است که وقتی به سوی کعبه برگشت، معنادار بود. اصلاً  
چرا کعبه قبله شد؟ چرا کعبه در دین خاتم ﷺ جهت توجّه به خدای متعال شد؟ کعبه چه منزلتی  
دارد؟ **إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ**.<sup>۳</sup> این اولین خانه برای چه ساخته شد؟ در این خانه چه کسی  
زندگی کرد؟ چه چیزی به این خانه منزلت داد؟ چه شد که این خانه لیاقت پیدا کرد که کعبه و قبله‌ی  
مسلمین شود؟ جز این است که محلّ تولّد امیرالمؤمنین علیه السلام بود؟ کعبه بودن کعبه و اینکه در عبادت  
قبله‌گاه و جهت توجّه ماست برای این است که محلّ تولّد امیرالمؤمنین علیه السلام است. ارزش کعبه به همین  
است. امیرالمؤمنین علیه السلام کعبه را کعبه می‌کند؛ ولذا ارزش قبله شدن پیدا می‌کند. یعنی ولایت است که  
به قبله ارزش قبله بودن می‌دهد. ولایت، قبله‌ی حقیقی است؛ لذا در باطن هم همین است. قلبی که در  
آن ولایت اهل‌بیت علیهم السلام باشد، آن قلب، قبله است و همه‌ی وجود شخص باید به سوی آن قبله، عبادت  
کند. همه‌ی مراتب وجودی باید به سوی قبله‌ای که عبارت است از قلبی که اهل‌بیت علیهم السلام در آن حضور  
دارند، عبادت کنند. قبله‌گاه وجود انسان، قلب اوست که در آن، ولایت حضور دارد.

۳. سوره‌ی آل‌عمران، آیه‌ی ۹۶.

بنابراین چیز عجیبی نیست که آن فرد اهل بصیرت همین حقیقت باطنی را در رفتارش ظاهر کرده؛ یعنی می‌گوید، جهت توجّه من به خدا، امام حسین علیه السلام است. من با رو کردن به سمت امام حسین علیه السلام خدا را قصد می‌کنم. **مَنْ قَصَدَهُ تَوَجَّهَ بِكُمْ**. او امام حسین علیه السلام را به معنای مخلوق خدا، عبادت نمی‌کند؛ خدا را عبادت می‌کند؛ اما در آینه‌ی وجود امام حسین علیه السلام؛ و به سمت امام حسین علیه السلام می‌ایستد و خدا را عبادت می‌کند. این ایرادی ندارد؛ شرک نیست که کسی گمان کند به سمت ضریح اباعبدالله الحسین علیه السلام ایستاده، مشرک شده. بله، البته خلاف شریعت است. ادب شرع حکم می‌کند انسان به سمت مسجدالحرام بایستد. هر جا هم باشد، باید رویش را به سمت مسجدالحرام کند؛ یعنی به-سمت زادگاه امیرالمؤمنین علیه السلام.

اما خواستم این حقیقت را بفهمیم که کسی تصوّر نکند این جمله، شرک‌آلود است و آن شخص که رو به ضریح ایستاده بود و نماز می‌خواند، داشت العیاذ بالله امام حسین علیه السلام را عبادت می‌کرد و شریک خدا قرار داده است؛ خیر، امام حسین علیه السلام را قبله‌ی خود قرار داده است. حالا بپرسیم، مو قبله؟ امام حسین علیه السلام قبله نیست؟ امام حسین علیه السلام جهت توجّه ما به خدا نیست؟ اگر فکر کنیم، می‌بینیم که آن شخص درست گفت. او با گفتن مو قبله، خادم را هم مؤدّب کرد. حال خادم می‌تواند بگوید، نه اینجا قبله نیست؟ اینجا جهت توجّه به خدا نیست؟ با رو آوردن به امام حسین علیه السلام رو به خدا نیاموردی؟ دید نمی‌تواند چنین پاسخی دهد؛ لذا ادب کرد و کنار رفت.

این موضوع هم که در بعضی افواه هست که امام زمان عجل الله تعالی فرجه در زمان ظهور، جهت قبله را به سمت کربلا برمی‌گردانند، در معنای باطنی واقعیت دارد. کعبه‌ای که مردم دور آن طواف می‌کردند و امام حسین علیه السلام را در کربلا تنها گذاشتند، چه ارزشی دارد؟ کعبه وقتی ارزش دارد که خانه‌ی ولایت است. کعبه ظهور، سمبل و ماکت است؛ یک نماد است؛ نماد ولایت است که وسط مسجدالحرام ساخته‌اند. حقیقت مؤمن دور امیرالمؤمنین علیه السلام می‌گردد؛ بدن مؤمن هم دور زادگاه امیرالمؤمنین علیه السلام می‌گردد. حقیقت و دل مؤمن دور امیرالمؤمنین علیه السلام می‌گردد. رو به امیرالمؤمنین علیه السلام دارد؛ طواف او می‌کند؛ به-

سمت او توجّه دارد. لذا کعبه را کعبه‌ی کربلایی می‌کند؛ یعنی قبله‌ها را قبله‌ی حسینی می‌کند؛ دل‌ها را متوجّه اباعبدالله‌الحسین علیه السلام می‌کند. جهت توجّه خلق را جهت توجّه به اباعبدالله‌الحسین علیه السلام می‌کند. نه اینکه در صورت ظاهر، روایتی داشته باشیم که به مردم بگویند رو به مسجدالحرام نایستید؛ به سمت عراق و شهر کربلا برگردید و به سمت ضریح اباعبدالله علیه السلام نماز بخوانید. این نیست؛ بلکه روح حسینی را در کعبه می‌دمد تا کعبه ارزش پیدا کند. کعبه‌ی بدون امام حسین علیه السلام کعبه نیست. کعبه‌ی بدون امیرالمؤمنین علیه السلام کعبه نیست. اگر کعبه بیت‌الله است، [چون خانه‌ی ولیّ الله است]. این همه احادیث قدسی داریم که فرمود: **لا يَسْعُنِي أَرْضِي وَ لا سَمَائِي وَ لَكِنْ يَسْعُنِي قَلْبُ عَبْدِي الْمُؤْمِنِ**؛<sup>۴</sup> نه همه‌ی کره‌ی زمین جا دارد که من خدا در آن بگنجم، نه آسمان‌های ملکوت و جبروت و لاهوت جا دارد من خدا در آن بگنجم. جایی که من خدا در آن می‌گنجم، قلب بنده‌ی مؤمنم است. پس بیت‌الله، قلب عبد مؤمن است. اگر به کعبه هم بیت‌الله می‌گویند به این خاطر است که ماکت و نمادی است که از قلب عبد مؤمن ساخته شده است. در قلب عبد مؤمن چیست؟ امیرالمؤمنین علیه السلام و امام حسین علیه السلام در قلب اوست. لذا جان کعبه، ولایت است؛ کعبه‌ی بدون ولایت یک خانه‌ی خشت و گلی بی‌ارزش است. سی‌هزار نفر رو به کعبه نماز گزارند؛ شمشیر کشیدند؛ امام حسین علیه السلام و اصحابش رضی الله عنهم را از بین بردند. این کعبه چه ارزشی دارد؟! مگر عمرسعد وقتی دستور حمله داد، نگفت: **يا خَيْلَ اللهِ ارْكَبِي وَ بِالْجَنَّةِ أَبْشِرِي**!<sup>۵</sup> ای لشکریان خدا سوار شوید و بشارت باد شما را به بهشت! امام سجاد علیه السلام فرمودند: **كُلُّ يَتَقَرَّبُ إِلَى اللهِ عَزَّ وَ جَلَّ بِدَمِهِ**؛<sup>۶</sup> همه‌ی آن سی‌هزار نفر با ریختن خون امام حسین علیه السلام به سوی خدا تقرب می‌جستند! اینها رو به کعبه نماز نمی‌خواندند؟! کعبه‌ای که بشود رو به آن نماز خواند و امام حسین علیه السلام

۴. ابن‌ابی‌جمهور، عوالی‌اللّٰهالی، ج ۴، ص ۷ و هاشمی‌خوئی، منهاج‌البراعة، ج ۹، ص ۴۰.

۵. موسوعة‌الامام‌الحسین علیه السلام، ج ۳، ص ۵۷؛ ابومخنف، وقعة‌الطّٰف، ص ۱۹۳ و خوارزمی، مقتل، ج ۲، ص ۳۰۶.

۶. صدوق، امالی، ص ۴۶۲ و مقتل، ص ۱۵۶؛ موسوعة‌الامام‌الحسین علیه السلام، ج ۷، ص ۲۹۵ و ج ۹، ص ۵۷۹.

را هم شهید کرد، کعبه است؟! این، جهت توجّه به خداست؟! این جنازه‌ی قبله است؛ نه خود قبله! کعبه وقتی کعبه است که خانه‌ی امیرالمؤمنین علیه السلام است. کعبه‌ی بدون امیرالمؤمنین علیه السلام کعبه نیست. آنچه وسط مسجدالحرام ساخته‌اند، ماکت است؛ اصلش قلب بنده‌ی مؤمن است. اگر فرمود: **طَهَّرْنَا بَيْتِي لِبِطَانَتَيْنِ وَ الْعَاكِفِينَ وَ الرُّكْعِ السُّجُودِ**<sup>۷</sup> خدا به ابراهیم و اسماعیل علیه السلام امر کرد که خانه‌ی مرا برای اهل رکوع و اهل سجود و طواف‌کنندگان تطهیر کنید، مقصود ماکتی بود که ابراهیم خلیل و اسماعیل ذبیح علیه السلام در وسط مسجدالحرام ساختند؛ این ماکت و نماد دل است. لذا به آن گفتند: بی‌تی؛ والا خانه‌ی خشت و گلی که خانه‌ی خدا نیست. **قَلْبُ الْمُؤْمِنِ عَرْشُ الرَّحْمَنِ**<sup>۸</sup>، **الْقَلْبُ حَرَمُ اللَّهِ**<sup>۹</sup>؛ لذا قلبی که در آن ولایت و محبت امیرالمؤمنین علیه السلام و محبت امام حسین علیه السلام و محبت اهل بیت عصمت و طهارت علیه السلام است، قبله‌ی حقیقی است. ماکت این قبله، کعبه می‌شود؛ منتها کعبه‌ای که در آن امیرالمؤمنین علیه السلام حضور دارد. کعبه‌ی بدون امیرالمؤمنین علیه السلام هیچ نیست؛ یک خانه‌ی خشت و گلی است و هیچ ارزشی ندارد. علی‌ای حال این مطلب را گفتم تا آن عبارت در ذهن ثقیل نباشد. نکات زیبا و عارفانه‌ای هم در آیات تحوّل قبله وجود دارد که وارد نمی‌شویم. خودتان به آیات سوره‌ی بقره مراجعه کنید؛ در تفاسیر و صحبت‌های اهل معرفت هم، در جمله جمله‌ی آیات تحوّل قبله نکات بسیار زیبایی وجود دارد.

**صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ**<sup>۱۰</sup>

۷. سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۱۲۵.

۸. مجلسی، مرآة العقول، ج ۱۲، ص ۲۳۰ و بحار الانوار، ج ۵۵، ص ۳۹.

۹. شعیری، جامع الاخبار، ص ۱۸۵ و مجلسی، بحار الانوار، ج ۶۷، ص ۲۵.

۱۰. کلینی، کافی، ج ۴، ص ۵۷۵؛ حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۴۹۳ و مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۰۱.